

رفرمیسم سندیکالیستی و لجاجت در پرستش قانون سرمایه

فعالین لغو کار مزدی

یکشنبه پانزدهم دی ۱۳۸۷

کانون صنفی معلمان از جمله نهادهای سندیکالیستی است که لجاجت بسیار زیادی در حلق آویز نمودن مبارزات توده های کارگر معلم به دار قانون و قانون مداری سرمایه داری دارد. زعما و بانیان این نهاد صنفی بسیار کاتولیک تر از پاپ تلاش دارند تا به معلمان القاء کنند که کل معضلات آن ها نه در وجود اختاپوسی نظام سرمایه داری بلکه صرفاً در اهمال و کم توجهی و بی مهری دولتمردان روز به اجرای قوانین است!! از منظر اینان اگر قانون و مقررات و نظم سرمایه داری اعمال گردد جامعه موجود همان بهشت موعود خواهد شد و همه دردها دوا خواهد گردید!!! نوع نگاه و دریافت و تحلیل سندیکالیسم از واقعیت های اجتماعی موجود به تمام و کمال همان نوع نگاه و تحلیل و تبیین نمایندگان فکری نظام بردگی مزدی است. بانیان رفرمیسم سندیکالیستی، نظام سرمایه داری را آخرین منزلگاه هستی بشر و نقطه پایان تاریخ می دانند و بر همین اساس وارد ساختن هیچ خراشی را بر شیرازه حیات این نظام نه مقدر می دانند و نه عقلانی می پندارند. عقل آن ها عقل سرمایه است. دورنمای زندگی و افق آرمان های آنان همان جهنم دستکاری شده سرمایه داری است. شعور آنان شعور آفریده سرمایه است. این ها و همه سازمان های سندیکالیستی دیگر و به طور مثال سندیکای شرکت واحد، سندیکای هفت تپه و سایرین حتی برای پوشاندن لباس تقدس بر اندام زشت و ضد کارگری قانون و نظم سرمایه از خود سرمایه داران و از دولت سرمایه داری هم بسیار مصرتر و لجوج تر و متعصب تر هستند. دولت سرمایه داری به طور مستمر با ضرب باتوم و چماق و تفنگ و زندان و پلیس و لباس شخصی های خود بر سر اینان می کوبد که قانون سرمایه قانون استثمار نیروی کار، قانون ساقط سازی بردگان مزدی از هر نوع آزادی و حق و حقوق انسانی، قانون سقوط انسان ها از هر شکل دخالتگری اجتماعی و انسانی در سرنوشت کار و زندگی خویش، قانون سلاخی و حمام خون کارگران معترض به بربریت سرمایه داری، قانون دستیازی به همه اشکال توحش برای ماندگارسازی سرمایه است. این کاری است که دولت سرمایه داری در ایران شب و روز انجام می دهد، اما سندیکالیست ها با زمختی و پرروئی بی مانندی به کارگران دروغ می گویند و همه جا عربده می کشند که آنچه سرمایه داران و دولت سرمایه داری ایران بر سر توده های کارگر می آورند و تمامی سفاکی و سببیتی که علیه کارگران اعمال می کنند نه قانون اساسی و ذاتی سرمایه که نشان امتناع دولت از اجرای قوانین سرمایه است!!! سندیکالیست ها در جاهائی که به این نوع عوامفریبی ها مربوط می شود حتی از دولت ها هم عوام فریب ترند. پلیس و ارتش و قوای سرکوب سرمایه با کشتار و تاتاریسم و شرارت و حمام خون خود کل چند و چون و واقعیت و بالا و پائین و زیر و روی قانون سرمایه را بر سر و روی توده های کارگر خرد می کنند اما اینان با دغلكاری بی مانندی به کارگران می گویند باور نکنید! سرمایه مقدس است! انسانی است! قانونش مدافع حق و حقوق کارگر است! و تمامی دروغ ها و ترفندها و فریبکاری های زشت دیگری که به نفع ماندگارسازی سرمایه و برای به

انحراف کشاندن مبارزات ضد سرمایه داری طبقه کارگر به هم می بافند و به کارگران تحویل می دهند. دولتمردان و نهادهای عدیده دولتی سرمایه از مجلس اسلامی گرفته تا شورای نگهبان، از پلیس تا لباس شخصی ها، از هیأت دولت تا استانداری ها، از وزارتخانه ها تا ارتش و زندان و قوه قضائیه همه و همه در مواجهه با هر اعتراض بر سر کارگران فریاد می زنند که قانون سرمایه همان است که آنها و سرمایه داران و رابطه خرید و فروش نیروی کار اعمال می کنند، همین کشتارها، همین شدت استثمارها، همین گرسنگی ها، همین اجبار به تن فروشی ها، همین خیابان خوابی کودک ها، همین اعدام و زندان و شکنجه ها قانون سرمایه است، اما سندیکالیست ها و عاشقان سینه چاک رفرمیسم راست سندیکالیستی با زمختی و سرسختی خاص خویش اصرار دارند که باز هم برای فرار از سیه روزی ها باید به دامن همین نهادها، همین قانون و قرارها، همین دولت و همین نظم سیاسی بشرستیز آویخت!! آن ها باز هم با شیادی تمام کارگران را موعظه می کنند که از هر نوع مبارزه ضد سرمایه داری اجتناب کنید، به کمک سرمایه بشتابید و هر تلاش هر فعال ضد کار مزدی و ضد سرمایه داری را به نفع سرمایه در هم کوبید. کانون صنفی معلمان و سندیکاها کارگری باب طبع سندیکاسازان در زمره این نهادهای سندیکالیستی هستند. کار این کانون و این سندیکاها ایجاد سد راه بر سر مبارزات ضد سرمایه داری توده های کارگر معلم و سایر کارگران، حلق آویزی مبارزات روز بردگان مزدی به دار قانون سرمایه و سرگردان نمودن آنان در بیغوله های نظم دولتی و سیاسی سرمایه داری است. کارگران معلم و همه توده های وسیع کارگر باید بدانند که راه پیکار آن ها برای هر سطح از مطالبات روز و راه رهائی آنان از شر جهنم موجود نه بی راهه های دروغین و گمراه کننده کانون صنفی معلمان و سندیکاها بلکه همپیوندی و اتحاد سراسری حول منشور مطالبات پایه ای ضد سرمایه داری طبقه کارگر، سازمانیابی سراسری شورائی علیه سرمایه داری و در یک کلام مبارزه متحد و سازمان یافته شورائی برای محو نظام بردگی مزدی است.

فعالین جنبش لغو کار مزدی

۲ ژانویه ۲۰۰۹